

رم چشم‌انداز را تعیین می‌کند - شماره چهار

احیای مناقشات قدیمی: نبرد بر سر تفسیر پیشگویی‌ها در ادونتیسیم

Jeff Pippenger

2024-08-08

از پیش به ما هشدار داده شده که «مناقشات قدیمی» در روزهای آخر دوباره احیا خواهند شد.

در تاریخ و نبوت، کلام خداوند نبردی دیرپا میان حق و باطل را به تصویر می‌کشد. آن نبرد هنوز ادامه دارد. آنچه بوده است، تکرار خواهد شد. مناقشات کهنه دوباره احیا خواهند شد و نظریه‌های تازه پیوسته پدید خواهند آمد. پیام‌های برگزیده، کتاب ۲، ۱۰۹.

بی‌استثنا آن مناقشه‌های قدیمی تلاشی شیطانی برای تضعیف نقش روم مدرن بود، زیرا این روم پاپی ایام آخر است که رویا را تحقق می‌بخشد. در تاریخ ادونتیسیم نمونه‌های متعددی از این واقعیت وجود دارد. نخستین مورد، مناقشه میان پروتستان‌ها و میلری‌ها بود، چنان‌که در نمودار پیشگام ۱۸۴۳ بازنمایی شده است. تنها اشاره در آن نمودار مقدس پیشگام ۱۸۴۳ — که «به هدایت خداوند تنظیم شد و نباید تغییر داده شود» — که ارجاعی مستقیم به حقیقتی نبوی از کلام خدا نبود، بازنمایی مناقشه میلری‌ها با پروتستان‌های آن دوره بود. پروتستان‌ها «غارتگران قوم تو» در دانیال، باب یازدهم، آیه چهارده را آنتیوخوس اپیفانس می‌دانستند، حال آن‌که میلری‌ها می‌دانستند که آن روم است.

"۱۶۴ مرگ آنتیوخوس اپیفانس، که البته در برابر سرور سروران برنخاست، زیرا ۱۶۴ سال پیش از تولد سرور سروران مرده بود." نمودار پیشگامان ۱۸۴۳.

پس از آن میان جیمز وایت و اوریا اسمیت بر سر شناسایی درست «پادشاه شمال» در باب یازدهم کتاب دانیال مناقشه‌ای در گرفت. جیمز در این‌که «پادشاه شمال» در آیات پایانی باب یازدهم دانیال «رم پاپی» است — یا آن‌گونه که من می‌نامم «رم مدرن» — درست می‌گفت. اسمیت استدلال می‌کرد که «پادشاه شمال» در باب یازدهم کتاب دانیال، آیه سی‌وشش، فرانسه بی‌خداست.

آیه ۳۶. و پادشاه مطابق اراده خود عمل خواهد کرد؛ و خود را برافراشته خواهد ساخت و خود را برتر از هر خدایی بزرگ خواهد داشت، و سخنانی شگفت بر ضد خدای خدایان خواهد گفت، و تا زمانی که غضب به انجام رسد کامیاب خواهد بود؛ زیرا آنچه مقرر شده است انجام خواهد شد.

«پادشاهی که در اینجا معرفی شده، نمی‌تواند بر همان قدرتی دلالت کند که آخرین بار به آن اشاره شد؛ یعنی قدرت پاپی؛ زیرا اگر این مشخصات بر آن قدرت تطبیق داده شوند، صادق نخواهند بود.» اوریا اسمیت، دانیال و مکاشفه، ۲۹۲.

اسمیت «برداشت شخصی» خود را وارد کرد هنگامی که گفت: «پادشاهی که در اینجا معرفی شده نمی‌تواند بر همان قدرتی دلالت کند که آخرین بار مورد اشاره قرار گرفت؛ یعنی قدرت پاپی؛ زیرا مشخصات مذکور در صورت انطباق بر آن قدرت صادق نخواهد بود.» کلام خدا هرگز باطل نمی‌شود، و از نظر دستوری نادرست است که با یک مدعای انسانی ساختار دستوری روشن متن را انکار کنیم. آیه می‌گوید «و پادشاه»، که ایجاب می‌کند پادشاه مورد نظر همان پادشاه مذکور در بخش پیشین باشد. هیچ قرینه‌ای بر وجود پادشاهی تازه نیست، و اسمیت تصدیق می‌کند که «همان قدرتی که آخرین بار مورد توجه قرار گرفت» همان «قدرت پاپی» بود. او در کتابش اذعان می‌کند که آیات سی‌ویک تا سی‌وپنج مربوط به قدرت پاپی هستند، و چون در آیه سی‌وشش هیچ قرینه دستوری‌ای

برای معرفی پادشاهی تازه وجود ندارد، صرفاً استدلال می‌کند که آیات پس از آیه سی و پنج ویژگی‌های نبوی قدرت پاپی را نشان نمی‌دهند. از این رو نظر خود را درباره فرانسه وارد می‌کند.

وقتی اسمیت به آیه چهل می‌پردازد، بنیان نبوی معیوبی که با تفسیر خصوصی خود بنا کرده، او را وادار می‌کند جنگی سه‌جانبه را شناسایی کند؛ جنگی که بر پایه حدس و گمان‌هایش، پادشاه جنوب را مصر معرفی می‌کند، که در آیه بر ضد فرانسه «یورش می‌برد»، و ترکیه را پادشاه شمال می‌داند که او نیز بر ضد فرانسه می‌آید. آن تفسیر انسانی افزوده مدلی نبوی می‌سازد که در آن اسمیت آزماگدونی حرفی را تشخیص می‌دهد، جایی که ترکیه به سوی اورشلیم پیش‌روی می‌کند و با برخاستن میکائیل، پایان دوره آزمایش بشر را نشان‌گذاری می‌کند. در تاریخ ادونتیسیم کتاب‌های بسیاری نوشته شده که به درستی مغالطه چنین تطبیقی را نشان داده‌اند.

هدف این مقاله پرداختن به ثمرات تفسیر شخصی اوریا اسمیت نیست، بلکه تنها شناسایی مناقشه‌ای است که زمانی پدید آمد که او به ترویج تفسیر شخصی خود پرداخت؛ زیرا با مخالفت جیمز وایت با دیدگاه مغالطه‌آمیز او، این مسئله به محور دیگری از مناقشه در ادونتیسیم بدل شد که در آن شناسایی درست روم با کاربردی نادرست مورد حمله قرار گرفت.

همچنین مناقشه‌ای طولانی‌دامن درباره «روزانه» در کتاب دانیال وجود داشت، هنگامی که ادونتیسیم لائودیکیه‌ای دیدگاه پروتستان مرتد را پذیرفت که «روزانه» در کتاب دانیال را خدمت مسیح در قدس می‌دانست؛ امری که با حقیقت بنیادین تثبیت شده مبنی بر این که «روزانه» نمادی از روم بت‌پرست بود، در تضاد بود.

آنگاه دیدم که در ارتباط با «دائمی» (دانیال ۸:۱۲)، واژه «قربانی» به وسیله حکمت انسانی افزوده شده و به متن تعلق ندارد، و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت داوری را اعلام کردند. وقتی اتحاد وجود داشت، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همه بر دیدگاه درست «دائمی» متفق بودند؛ اما در آشفتگی پس از ۱۸۴۴، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده و تاریکی و سردرگمی در پی آمده است. از ۱۸۴۴ به بعد، زمان آزمون نبوده است و هرگز دوباره آزمون نخواهد بود. نوشته‌های اولیه، ۷۴.

در وقت پایان، در سال ۱۹۸۹، هنگامی که مهر شش آیه پایانی دانیال یازده شکسته شد، «پادشاه شمال» در آن هنگام روم پاپی شناخته شد؛ همان‌گونه که جیمز وایت پیش‌تر در مناقشه‌اش با اوریا اسمیت آن را چنین دانسته بود. وایت برای پاسخ به مغالطه اسمیت روش «خط بر خط» را به کار گرفت. او استدلال کرد که اگر آخرین قدرت نمایانده شده در دانیال دو، و آخرین قدرت نمایانده شده در دانیال هفت، و آخرین قدرت نمایانده شده در دانیال هشت همگی روم باشند، آنگاه بر پایه سه خط شاهد، آن قدرتی که در دانیال یازده به پایان خود می‌رسد روم است، نه آن‌گونه که اسمیت ادعا می‌کرد که آن ترکیه است.

جنبش نبوتی فرشته سوم که در سال ۱۹۸۹ آغاز شد، اندکی پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با مناقشه‌ای درباره فصل نخست یوئیل روبه‌رو گردید. در پنج آیه نخست، دو شاهد—نخست نسل‌ها و سپس حشرات—نابودی تدریجی‌ای را که از سوی روم بر ادونتیسیم تحمیل شده است نشان می‌دهند. «مستان» در نبوت، بنا بر اشعیا، همان «مردان استهزاگری هستند که بر اورشلیم حکم می‌رانند». آنان در نسل چهارم و نهای بی‌دار می‌شوند. این نابودی تدریجی، نابودی‌ای روحانی است، زیرا خطاب به اورشلیم روزهای آخر است، و از شورش سال ۱۸۶۳ به بعد، ادونتیسیم‌های روز هفتم لائودیکیه‌ای به تدریج در آموزه‌های روم غرق شدند.

کلام خداوند که به یوئیل، پسر پتوییل، رسید. ای پیران، این را بشنوید، و ای همه ساکنان زمین، گوش فرا دهید. آیا چنین چیزی در روزگار شما، یا حتی در روزگار پدرانانتان رخ داده است؟ آن را به فرزندان خود بازگوید، و فرزندان شما به فرزندان خویش، و آنان به نسلی دیگر. آنچه را کرم جوانه خوار باقی گذاشت، ملخ خورد؛ و آنچه را ملخ باقی گذاشت، کرم ساقه خوار خورد؛ و آنچه را کرم ساقه خوار باقی گذاشت، کرم برگ خوار خورد. بیدار شوید، ای مست‌ها، و بگریید؛ و ای همه شراب‌نوشان، نوحه کنید، به سبب شراب تازه، زیرا از دهان شما بازگرفته شده است. یوئیل ۱:۵-۱۰.

پس از آنکه ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو ریختند، فهمیده شد که باران پسین آنگاه شروع به «نم‌نم باریدن» کرد و این‌که مجادله باب دوم حبقوق، که در تاریخ جنبش میلری تحقق یافته بود، بار دیگر در جریان بود. این مجادله بر سر روش درست تفسیر نبوت‌ها بود.

بر پهره خود خواهم ایستاد و بر برج جای خواهم گرفت، و می‌نگرم تا ببینم او به من چه خواهد گفت و چون توبیخ شوم چه پاسخ خواهم داد. و خداوند مرا پاسخ داد و گفت: رؤیا را بنویس و آن را بر لوح‌ها روشن بنگار تا هر که آن را می‌خواند بدود. زیرا رؤیا هنوز برای زمانی معین است، اما در پایان سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه درنگ کند، منتظرش باش، زیرا البته خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد. اینک جان او که سربرافراشته است، در او راست نیست؛ اما عادل به ایمان خود خواهد زیست. و نیز چون به سبب شراب تعدی می‌کند، مردی مغرور است و در خانه نمی‌ماند؛ خواهش خود را چون هاویه می‌گستراند و چون مرگ است و سیر نمی‌شود، بلکه همه قوم‌ها را نزد خود گرد می‌آورد و همه مردمان را برای خود انباشته می‌کند. حبقوق ۱:۵-۱۰.

آزمون باب دوم حبقوق نمونه‌ای بود از آزمون جنبش صد و چهل و چهار هزار که زمانی آغاز شد که فرشته نیرومند باب هجده مکاشفه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد. سپس مناقشه‌ای آغاز شد میان کسانی که بر بنیادهای ادونتیسیم که بر نمودار پیشگامان ۱۸۴۳ بازنمایی شده بود ایستادند، و آنان که بنا بر حبقوق «به واسطه شراب» تعدی می‌کنند و همان «مستان» یوئیل بودند که سپس «بیدار شدند»، اما «شیره تازه» از «دهان‌شان» منقطع شد.

واژه عبری «reproved» در آیه نخست به معنی «with» است. استدلالی که به نگهبانان پیروان میلر ارائه شد، بر روی نمودار پیشگام ۱۸۴۳ که در ماه مه ۱۸۴۲ در تحقق این آیات تهیه شد، به تصویر کشیده شده بود. گروهی که به ایمان خود زندگی می‌کردند، بر سر پیام نبوی حقیقت حاضر برای آن دوره، با گروه دیگری که به واسطه شراب تعدی می‌کردند، در مناقشه بودند. آنان مست‌های یوئیل‌اند که بیدار می‌شوند و درمی‌یابند که شراب، که نمادی از آموزه است، از دهان‌هایشان قطع شده است. آنان مست‌های اشعیا از افرایم‌اند که بر اورشلیم حکومت می‌کنند و از فهم کتاب مهرشده ناتوان‌اند.

وای بر تاج غرور میگساران افرایم، بر زیبایی باشکوه ایشان که همچون گلی پژمرده است، تاجی که بر سر دره‌های حاصلخیز آنان مغلوب شراب قرار دارد! اینک، خداوند کسی نیرومند و قدرتمند دارد که چون تندباد تگرگ و توفانی ویرانگر، همچون سیلاب آب‌های نیرومند طغیان‌گر، آن را با دست به زمین خواهد افکند. تاج غرور، میگساران افرایم، زیر پا لگدمال خواهند شد. . . درنگ کنید و در شگفت شوید؛ فریاد کنید و فریاد برآورید؛ ایشان مست‌اند، اما نه از شراب؛ تلو تلو می‌خورند، اما نه از نوشیدنی مست‌کننده. . . از این رو سخن خداوند را بشنوید، ای مردان استهزاگر که بر این قوم ساکن اورشلیم حکم می‌رانید. زیرا خداوند روح خواب‌گران بر شما فرو ریخته و چشمانتان را بسته است: پیامبران و سروران شما، یعنی بینایان، را پوشانده است. و رؤیای همه برای شما چون سخنان کتابی مهر و موم شده گشته است، که آن را به فردی دانش‌آموخته می‌سپارند و می‌گویند: خواهش می‌کنیم این را بخوان؛ و او می‌گوید: نمی‌توانم، زیرا مهر و موم است؛ و کتاب را به کسی که بی‌سواد است می‌سپارند و می‌گویند: خواهش می‌کنیم این را بخوان؛ و او می‌گوید: من بی‌سوادم. اشعیا ۱: 28-3، 14؛ 9: 29-12.

بحثِ حبقوق میان مستان افرایم و آنان که با ایمان به کلام نبوی خدا سلوک می‌کنند، در شهادت اشعیا به‌طور مشخص به‌عنوان بحثی بر سر روش درست در برابر روش نادرست شناسایی می‌شود؛ زیرا اشعیا تصریح می‌کند که همین روش «خط بر خط» است که مستان را به لغزش می‌اندازد و آنان را به عهدی با مرگ داخل می‌کند.

اما ایشان نیز به سبب شراب گمراه شده‌اند و به‌واسطه مسکرات از راه به در رفته‌اند؛ کاهن و نبی به سبب مسکرات خطا کرده‌اند، شراب ایشان را فروگرفته است، و به‌سبب مسکرات از راه منحرف گردیده‌اند؛ در رؤیا خطا می‌کنند، در داوری می‌لغزند. زیرا همه میزها از قی و پلییدی پر است، چندان که هیچ جای پاکی نیست. معرفت را به که بیاموزد؟ و آموزه را به که بفهماند؟ آیا به آنان که از شیر بازگرفته شده‌اند و از پستان‌ها جدا گردیده‌اند؟ زیرا دستور بر دستور، دستور بر دستور؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا. زیرا با لبان لکنت‌دار و زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. به آنان گفت: این است آرامشی که به‌وسیله آن می‌توانید خستگان را آرام دهید؛ و این است تجدید نیرو؛ اما نخواستند بشنوند. اما کلام خداوند برای ایشان شد: دستور بر دستور، دستور بر دستور؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا؛ تا بروند و به قفا بیفتند و شکسته شوند و در دام افتند و گرفتار گردند. از این‌رو، ای مردان استهزاگر که بر این قوم که در اورشلیم است حکم می‌رانید، کلام خداوند را بشنوید. زیرا گفته‌اید: با مرگ عهد بسته‌ایم و با هاویه هم‌داستانیم؛ هرگاه تازیانه سیلاب‌گون عبور کند، به ما نخواهد رسید؛ زیرا دروغ را پناهگاه خود ساخته‌ایم و زیر پرده دروغ پنهان شده‌ایم. اشعیا ۷:۲۸-۱۵.

سپس اشعیا مشخص می‌کند که خدا چه چیزی را در مناقشه حبقوق قرار داده بود که داوری را بر میگساران بیاورد، و آن سنگ بنیاد بود، «هفت بار» لاویان ۲۶، که نخستین نبوت زمانی بود که جبرئیل و فرشتگان ویلیام میلر را هدایت کردند تا آن را درک کند.

پس خداوند خدا چنین می‌گوید: اینک من در صهیون سنگی برای بنیاد می‌نهم، سنگی آزموده، سنگ زاویه‌ای گران‌بها، بنیانی استوار؛ هر که ایمان آورد، شتاب خواهد کرد. داوری را به خط خواهم نهاد و عدالت را به شاقول، و تگرگ پناهگاه دروغ را خواهد روبید و آب‌ها مخفیگاه را فرا خواهند گرفت. و عهد شما با مرگ باطل خواهد شد و پیمان شما با هاویه پایدار خواهد ماند؛ هنگامی که تازیانه‌ی طغیان‌گر عبور کند، آنگاه به وسیله‌ی آن پامال خواهید شد. اشعیا ۱۶:۲۸-۱۸.

اندکی پس از اینکه خداوند از 11 سپتامبر 2001 به بعد قوم خود را به راه‌های کهن بازگرداند، گروهی از کسانی که در آن جنبش مشارکت داشتند به این نتیجه رسیدند که چهار حشره یوئیل نمایانگر اسلام وای سوم هستند. هنگامی که روش «خط بر خط» برای قوم خدا در آن نسل آخر گشوده شد، یک قاعده مهم نبوی شناخته شد. آن قاعده «کاربرد سه‌گانه نبوت» است، و آن گروه که تشخیص داده بودند چهار نسل یوئیل نمایانگر اسلام وای سوم هستند، برای پشتیبانی از کاربرد نادرست خود، قاعده کاربرد سه‌گانه نبوت را به‌اشتباه به کار بردند.

سپس در بازه زمانی سال ۲۰۱۴، به شیطان اجازه داده شد که با دستورکار «ووک» همجنس‌گرایانه‌ای که از بریتانیا و استرالیا سرچشمه می‌گرفت، وارد این جنبش شود؛ دستورکاری که حمله‌اش را بر پایه تفسیری نادرست از تاریخی که در دانیال باب یازدهم، آیات یک تا پانزده، بیان شده بود، بنا کرده بود. رهبران طرفدار همجنس‌گرایی که در این جنبش نفوذ کردند و به آن حمله بردند، در نهایت ادعا کردند که ادونتیسیم باید از پاپ روم عذرخواهی کند، به‌خاطر این‌که گویا اتهامات نادرستی علیه ضد مسیح، یعنی پاپ روم، مطرح کرده است. هدف این حمله از پا درآوردن جنبش بود و عمدتاً برای ایجاد سردرگمی درباره همان بخش (دانیال 11:1-15) که در آن «غارتگران قوم تو» شناسایی می‌شوند.

تمام این مناقشه‌ها تلاشی از سوی شیطان بود برای مغشوش کردن نماذِ رومِ پاپی. به گفتهٔ حکیم‌ترین انسانی که تاکنون زیسته، هیچ چیز تازه‌ای زیر آفتاب نیست. امروز نیز مناقشه بار دیگر بر سر شناسایی روم است که نماد آن «غارتگران قوم تو» دانسته شده است. تفسیر تازه و خصوصی ادعا می‌کند «غارتگران قوم تو» ایالات متحده است و با این کار آشکارا از این غافل‌اند که این دقیقاً همان مناقشهٔ نخستین میان میلری‌ها و پروتستان‌هاست، و نیز از آن ضرب‌المثل کهن منسوب به نویسندهٔ سدهٔ شانزدهم، جان هی‌وود، که می‌گوید: «هیچ‌کس به اندازهٔ آن که نخواهد ببیند، کور نیست.» گونه‌ای دیگر از عبارت او چنین است: «هیچ‌کس به اندازهٔ آن که نخواهد بشنود، کر نیست.» بیشتر مردم احتمالاً نمی‌دانند این عبارت به هی‌وود نسبت داده می‌شود، و در نمی‌یابند که عبارت هی‌وود برگرفته از بخش‌هایی از کتاب مقدس است؛ همچون آنچه در ارمیا، اشعیا و نیز در عهد جدید به نقل از عیسی آمده است.

اکنون این را بشنوید، ای قوم نادان و بی‌فهم؛ که چشم دارند و نمی‌بینند؛ که گوش دارند و نمی‌شنوند. ارمیا ۲۱:۵

این «شریران» دانیال و «دوشیزگان نادان» متی هستند که «افزایش معرفت» را درک نمی‌کنند. افزایش معرفت در سال ۱۹۸۹ در اصل تشخیص این بود که شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال، خیزش و سقوط نهایی قدرت پاپی — یا چنان‌که من نامیده‌ام، رم مدرن — را مشخص می‌کنند. این آیات به ایالات متحده اشاره می‌کنند، اما صرفاً از حیث رابطهٔ آن با قدرت پاپی. «شریران» و «نادانان» در تقابل با «خردمندان» قرار می‌گیرند، و خردمندان ایام آخر، افزایش معرفت در سال ۱۹۸۹ را درک می‌کنند. نادانان کسانی‌اند که چشم دارند اما نمی‌بینند، و گوش دارند اما نمی‌شنوند.

و نیز صدای خداوند را شنیدیم که می‌گفت: چه کسی را بفرستم، و چه کسی برای ما خواهد رفت؟ آنگاه گفتم: اینک من هستم؛ مرا بفرست. و او گفت: برو و به این قوم بگو: هرچند می‌شنوید، اما نمی‌فهمید؛ و هرچند می‌بینید، اما در نمی‌یابید. دل این قوم را کند ساز و گوش‌هایشان را سنگین کن و چشمانشان را ببند، مبادا با چشمان خود ببینند و با گوش‌های خود بشنوند و با دل خود بفهمند و بازگشت کنند و شفا یابند. اشعیا ۶: ۸-۱۰.

مخاطبان فصل ششم اشعیا کسانی هستند که ادعا می‌کنند در پیام «حقیقت حاضر» ی قرار دارند که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، زیرا اشعیا فصل شش این بخش را مربوط به زمانی می‌داند که «زمین از جلال خداوند پر است». زمین با جلال خدا روشن شد، هنگامی که فرشتهٔ باب هجدهم مکاشفه فرود آمد، آنگاه که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک با لمسی از جانب خدا به زیر افکنده شدند.

در سال وفات عزیا پادشاه، خداوند را نیز دیدم که بر تختی بلند و برافراشته نشسته بود، و دامن ردای او هیکل را پر کرده بود. بر فراز آن سرافیم‌ها ایستاده بودند؛ هر یک شش بال داشت؛ با دو بال چهرهٔ خود را می‌پوشاند، و با دو بال پاهای خود را می‌پوشاند، و با دو بال پرواز می‌کرد. و یکی به دیگری ندا می‌داد و می‌گفت: «قدوس، قدوس، قدوس است خداوند لشکرها؛ تمام زمین از جلال او پر است.» و پایه‌های آستانه از آواز آن که ندا می‌داد به لرزه درآمد، و خانه از دود پر شد. اشعیا ۶: ۴-۶.

خواهر وایت اعلان فرشته را با رویدادی پیوند می‌دهد که نشان می‌دهد چه زمانی فرشتهٔ باب هجدهم مکاشفه زمین را از جلال خود پر می‌کند.

هنگامی که خدا می‌خواست اشعیا را با پیامی نزد قوم خود بفرستد، نخست اجازه داد که پیامبر در رؤیا به قدس‌الاقداص درون مقدسگاه بنگرد. ناگهان دروازه و پردهٔ اندرونی هیکل چنان می‌نمود که برافراشته یا کنار زده شده است، و به او اجازه داده شد که به درون، به قدس‌الاقداص بنگرد؛ جایی که حتی پای پیامبر نیز اجازه ورود بدان نداشت. در برابرش رؤیایی پدید شد از یهوه که بر

تختی بلند و برافراشته نشسته بود، و دامن جلال او هیکل را پر کرده بود. گرداگرد تخت، سرافین بودند، چون نگهبانان پیرامون پادشاهی عظیم، و جلالی را که ایشان را دربر گرفته بود باز می‌تاباندند. چون سرودهای ستایششان با نغمه‌های عمیق پرستش طنین‌انداز شد، ستون‌های دروازه به لرزه درآمد، چنان‌که گویی زمین‌لرزه‌ای آن را تکان داده است. با لبانی نیالوده به گناه، این فرشتگان ستایش‌های خدا را به زبان می‌آوردند. «قدوس، قدوس، قدوس است یهوه صبايوت»، بانگ برآوردند؛ «تمامی زمین از جلال او پر است.» [نگاه کنید به اشعیا ۱: ۶-۸].

سرافین گرداگرد تخت، چون جلال خدا را می‌نگرند، چنان از هیبتی آمیخته با حرمت سرشارند که حتی لحظه‌ای با تحسین به خود نمی‌نگرند. ستایششان برای خداوند لشکرهاست. و چون به آینده می‌نگرند، آنگاه که تمامی زمین از جلال او پر خواهد شد، آن سرود پیروزمندانه در ترنمی خوش‌آهنگ از یکی به دیگری طنین‌انداز می‌شود: «قدوس، قدوس، قدوس، خداوند لشکرهاست.» کارگران انجیل، ۲۱.

اشعیا، که نماینده قوم خدا در دوران مَهْرگذاری بود که از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، پیامی دریافت کرد تا آن را به قومی برساند که چشم داشتند اما نخواستند ببینند، و گوش داشتند اما نخواستند بشنوند. عیسی، به‌عنوان آلفا و اُمگا، پایان زمان مَهْرگذاری صد و چهل‌وچهار هزار را با آغاز آن نشان می‌دهد. در پایان، بار دیگر فرستاده‌ای خواهد بود که اشعیا نماینده اوست و پیامی را برای قومی می‌برد که نمی‌خواهند ببینند و بشنوند. آن پیام سبب پالایش نهایی صد و چهل‌وچهار هزار خواهد شد. آن پیام سخنان حقیقت است که از شهادت نبوی خدا آورده می‌شود. آن شهادت نبوی همان «رؤیا» پی است که به‌واسطه قدرتی که با عنوان «غارتگران قوم تو» نمادین شده، استوار می‌گردد.

در مقاله بعدی، هر یک از این مناقشات را برمی‌گیریم و آن‌ها را به شیوه خط‌برخط روی هم می‌گذاریم. خط میلریتی، خط اسمیت و وایت، خط «روزانه»، خط «پادشاه شمال» در سال ۱۹۸۹، خط حشرات یوئیل و مناقشه کنونی. شش مناقشه قدیمی که وقتی به‌صورت خط‌برخط نگریسته شوند، به‌روشنی حقیقت مناقشه نخست را که بر نمودار پیشگامان ۱۸۴۳ به تصویر کشیده شده است، تأیید می‌کنند. و آن حقیقت این است که روم «غارتگران قوم تو» است؛ همانانی که خود را بزرگ می‌سازند، و سقوط می‌کنند، و رؤیا را تثبیت می‌کنند.

من دیده‌ام که نمودار ۱۸۴۳ به دست خداوند هدایت شده بود و نباید تغییر داده می‌شد؛ که ارقام آن همان‌گونه بودند که او می‌خواست؛ که دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از ارقام پوشانده بود، چنان‌که هیچ‌کس نمی‌توانست آن را ببیند تا وقتی که دست او برداشته شد. نوشته‌های نخستین، ۷۴.

رد حقایق مندرج در آن نمودار، هم‌زمان به معنای رد مرجعیت روح نبوت است، و آن نمودار نشان می‌دهد که این روم است، نه ایالات متحده، که «مکاشفه» را برپا می‌کند؛ همان «مکاشفه» ای که سلیمان به ما می‌آموزد که بدون آن، قوم خدا هلاک خواهند شد.

شیطان ... پیوسته امور دروغین را وارد می‌کند تا از حقیقت منحرف سازد. آخرین فریب شیطان این خواهد بود که شهادت روح خدا را بی‌اثر کند. «جایی که رؤیا نیست، قوم هلاک می‌شود» (امثال ۱۸: ۲۹). شیطان به‌نحوی زیرکانه، به روش‌های گوناگون و از طریق عوامل مختلف عمل خواهد کرد تا اعتماد قوم باقیمانده خدا را به شهادت حقیقی متزلزل سازد.

نفرتی شیطانی علیه شهادت برافروخته خواهد شد. کار شیطان این خواهد بود که ایمان کلیساها را نسبت به آن‌ها متزلزل سازد، به این دلیل: شیطان نمی‌تواند چنان مسیر روشن و همواری داشته باشد که فریب‌های خود را به میان آورد و جان‌ها را در او هاشم به بند بکشد، اگر هشدارها و توبیخ‌ها و اندرزهای روح خدا مورد توجه قرار گیرند. پیام‌های برگزیده، کتاب ۱، ۴۸.

کسی که فراتر از ظاهر را می بیند و دل های همه آدمیان را می خواند، درباره آنان که از نوری عظیم بهره مند شده اند، چنین می گوید: «آنها به سبب وضعیت اخلاقی و روحانی خویش اندوهگین و حیران نمی شوند. آری، ایشان راه های خویش را برگزیده اند و جانشان در رجاساتشان لذت می یابد. من نیز فریب های ایشان را اختیار خواهم کرد و ترس هایشان را بر آنان خواهم آورد، زیرا چون خواندم، هیچ کس پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه در نظر من بدی کردند و آنچه مورد خشنودی من نبود برگزیدند.» «خدا بر ایشان گمراهی نیرومند خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند»، زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند، «بلکه در ناراستی لذت بردند.» اشعیا ۴۶:۳، ۴۷:۱۰، ۴۸:۱۱.

معلم آسمانی پرسید: «چه فریب نیرومندتری می تواند ذهن را بفریبد از این پندار که شما بر بنیاد درست بنا می کنید و خدا اعمال شما را می پذیرد، حال آنکه در واقع بسیاری امور را مطابق سیاست دنیوی پیش می برید و در برابر یهوه گناه می کنید؟ آه، این فریبی بزرگ است، گمراهی ای دل فریب که بر اذهان چیره می شود، هنگامی که کسانی که زمانی حقیقت را شناخته اند، صورت دینداری را به جای روح و قدرت آن می گیرند؛ وقتی می پندارند که توانگرند و بی نیاز از هر چیز، در حالی که در حقیقت به همه چیز نیازمندند.» گواهی ها، جلد ۸، ۲۴۹، ۲۵۰.